

گفت و گوی نشریه انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه سهند تبریز با آقای مهندس محمد توسلی :

پنجشنبه ۱۷ بهمن ۱۳۸۷

گفتمان بازرگان در دهه شصت با پرداخت هزینه های زیاد به تدریج به ثمر نشست و در دهه هفتاد و هشتاد در جنبش اصلاحات گسترش پیدا کرد

محمد توسلی : مقابله با باز تولید استبداد و پیگیری اجرای اصول قانون اساسی در زمینه حقوق اساسی ملت یعنی تأمین آزادی و حاکمیت ملت از جمله تلاش های شادروان مهندس بازرگان و همفکران وی بوده است و گفتمانی که مهندس بازرگان و همفکران او در دهه ۶۰ بعد از بسته شدن فضای سیاسی کشور مطرح کردند و با پرداخت هزینه های زیاد پیگیری کردند به تدریج به ثمر نشست و در دهه های هفتاد و هشتاد در جنبش اصلاحات گسترش پیدا کرد و دست کم در سطح فرهیختگان و روشنفکران جامعه بصورت گفتمان غالب برای تداوم تلاش های سیاسی - اجتماعی در آمده است .

به عنوان کسی که سالها با مرحوم مهندس بازرگان همکاری و معاشرت داشته اید، از خلق و خو و اخلاقیات و اعتقادات ایشان بفرمایید.

شخصیت مهندس بازرگان متأثر از فرهنگ دینی و اجتماعی محیط خانواده، شرایط اجتماعی - سیاسی انقلاب مشروطه و دوران اختناق ۲۰ ساله رضاخان و همچنین فضای فرهنگی - اجتماعی در دوران هفت سال تحصیلات تکمیلی آن مرحوم در اروپا به ویژه فرانسه است . بهترین منبع برای مطالعه تفصیلی زندگینامه مهندس بازرگان و آشنایی با زمینه های شکل گیری شخصیت او کتاب مدافعات دادگاه نظامی سال ۱۳۴۲ است که در مجموعه آثار ۶ به چاپ رسیده است - بدون تردید مهندس بازرگان یکی از شخصیت های برجسته دینی، علمی و سیاسی صد سال اخیر کشور ماست. انسجام شخصیتی در عرصه های مختلف، شجاعت و صداقت و انصاف او به ویژه در قبال مخالفان و خصوصیات اخلاقی و رفتاری مهندس بازرگان نه تنها در محیط خانواده بلکه در عرصه های مختلف زندگی می تواند برای نسل امروز و فردای جامعه الگوی آموزنده ای باشد.

بر پایه گفتمان قرآنی، مهندس بازرگان از زمره کسانی است که مشمول "انعمت علیهم" هست که ما در نمازهای روزانه خویش دستیابی به آن را از خداوند درخواست می کنیم. اگر مهندس بازرگان جزء انبیاء و شهدا نیست اما می توان او را در زمره صالحین و صدیقین محسوب کرد و رمز ماندگاری آثار وجودی چنین شخصیت هایی همین ویژگی های آنان است. مهندس بازرگان در طول حدود ۶۰ سال خدمات مستمر خویش در هر دوره ای متناسب با شرایط و نیازهای راهبردی جامعه عمل کرده است (عمل صالح) و همگان صداقت او را مورد تأکید قرار داده اند .

تشکیل نهضت آزادی ایران از چه زمانی و به چه دلایلی مطرح شد و نقش مهندس بازرگان در این بین چگونه بود؟ آیا آیت الله طالقانی هم عضو نهضت آزادی و از موسسان آن بودند؟

نهضت آزادی ایران پس از ۲۰ سال تلاشهای فرهنگی و زمینه سازی‌های اجتماعی در سال ۱۳۴۰ تأسیس شد. شرایط سیاسی - اجتماعی سالهای ۴۰-۱۳۳۹ و فضای نسبتاً بازی که در دوران ریاست جمهوری جان اف کندی در ایران پدید آمد و ضرورت هویت تشکیلاتی بخشیدن به دانشجویان و فعالان سیاسی مسلمان که در طول ۲۰ سال تربیت شده بودند از جمله دلایل تأسیس نهضت آزادی بوده است. مهندس بازرگان یکی از مؤسسين نهضت آزادی ایران همراه دکتر یداله سبحانی و آیت‌اله طالقانی و سایر همفکران بودند.

نقش ویژه مهندس بازرگان هم در عرصه اعتقادی و پاسخ گفتن به سئوالات نسل جوان است که بین دین و علم آشتی و همخوانی ایجاد کردند و جوانان را از گرایش‌های الحاوی و اندیشه‌های مخرب وارداتی آن دوران نجات دادند و از سوی دیگر با خرافات و پیرایه‌های دینی که موجب فاصله گرفتن نسل تحصیل کرده از فرهنگ دینی و بومی جامعه می‌شد مبارزه اصولی کردند. بعلاوه نقش مهندس بازرگان را در مدیریت و مهندسی اجتماعی بایستی مورد تأکید قرار داد. پیش‌نویس بسیاری از اساسنامه‌ها و اهداف و برنامه‌های نهادهای مدنی که در طول چند دهه تأسیس شده است از جمله کانون مهندسين، انجمن اسلامی مهندسين و ... به قلم مهندس بازرگان بود.

همانگونه که توضیح داده شد آیت‌اله طالقانی در سال ۱۳۱۹ همکاری فرهنگی خویش را با مهندس بازرگان و دکتر سبحانی آغاز کردند و در سال ۱۳۴۰ نیز یکی از مؤسسين نهضت آزادی بودند و تا پایان عمر نیز این ارتباط و پیوند همکاری را با همفکران خود حفظ کردند.

جنابعالی به عنوان کسی که در جریان ارتباط با سازمان مجاهدین خلق در سالهای ابتدایی دهه ۵۰ مدتی زندانی شدید، موضع مهندس بازرگان در قبال این گروه و در کل گروه‌های مبارز پیش از انقلاب را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا درست است که می‌گویند آقای بازرگان در لفافه موافقت خود را با مبارزه‌ی مسلحانه علیه رژیم پهلوی به حنیف‌نژاد بیان کرده بود؟ (طبق این جمله: "ما پیرمردها نمی‌توانیم اسلحه‌دستان بگیریم اما هر کمکی از ما ساخته باشد انجام خواهیم داد.")

بین سالهای ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۶ که برای ادامه تحصیل به خارج از کشور رفته بودم در جریان اینگونه مذاکرات خصوصی دوستان نبودم. اما جمله معروف مهندس بازرگان در دادگاه نظامی سال ۱۳۴۲ که "ما آخرین گروهی هستیم که با زبان قانون با شما سخن می‌گوییم" تلویحاً حمایت اجباری خود را از این روند بیان داشتند. دست کم مهندس بازرگان در طول سالهایی که سازمان‌های مسلحانه شکل گرفت هیچگاه با عملکرد آنان مخالفت نکرده است. آنچه در گزارش‌ها منعکس است و طبیعی نیز به نظر می‌رسد این است که مهندس بازرگان با برخی از مواضع سازمان مجاهدین خلق از جمله مواضع

اقتصادی آنان که بر گرفته از اقتصاد مارکسیستی بود (اقتصاد به زمان ساده) موافق نبود و به آنها نیز در گفتگوهای خصوصی متذکر شده بود.

آیا شما پذیرش نخست وزیری توسط مهندس بازرگان در مقطع پیروزی انقلاب را حرکتی سنجیده می دانید؟ آیا درست است که گفته می شود آیت الله طالقانی به ایشان توصیه کرده بود از پذیرش این سمت استنکاف ورزند؟

درسی امین سالروز پیروزی انقلاب و ارزیابی مجموعه تجربیات این سه دهه به نظر من مهندس بازرگان با ایمان، صداقت و بینش تاریخی خود این مسئولیت را آگاهانه و واقع‌بینانه پذیرفت و به وظیفه دینی و ملی خویش در آن شرایط خطیر عمل کرد. درست است که مرحوم آیت‌الله طالقانی به ایشان توصیه کرد که پذیرش این مسئولیت پیامدهای خطیری در پی دارد و در پذیرش این مسئولیت تأمل بیشتری بکنند، زیرا شناختی که طالقانی از روحانیت و حوزه و دیدگاه‌های تاریخی آنان داشت بطور طبیعی چنین برداشتی را برای ایشان پدید آورده بود. اما امروز با تحلیل شرایط آن دوره و بررسی مجموعه واقعیت‌ها بهتر می‌توان گفت که در آن شرایط کسی جز مهندس بازرگان نمی‌توانست این مسئولیت خطیر را بپذیرد و دوره انتقال را از رژیم پهلوی به جمهوری اسلامی با حداقل هزینه به فرجام برساند. شخصیت و سوابق مهندس بازرگان و همفکران او جایگاهی در جامعه داشت که گروه‌های مختلف صلاحیت، صداقت و توانایی آنان را برای این مهم قبول داشتند - به ویژه با مذاکرات و دیپلماسی انقلاب که از اوایل سال ۱۳۵۷ آغاز شده بود زمینه‌های کاهش هزینه‌های انقلاب فراهم شده بود.

لطفا تعریفی کلی از لیبرالیسم ارائه دهید و طبق آن بفرمایید آیا مهندس بازرگان آنطور که مخالفانش و حتی بعضی موافقانش می گویند، انسانی لیبرال بوده است؟ به نظر شما در اوایل انقلاب و در زمان دولت موقت، گرایش‌های لیبرالی تا چه حد متناسب با شرایط سیاسی و فکری جامعه بود؟

"لیبرالیسم" زاینده تحولات کشورهای غربی است به معنی آزادی انسان از همه قیدهایی که فرهنگ کلیسای مسیحیت بر جامعه غربی تحمیل کرده بود. این اندیشه واکنش شرایط اختناق دوران قرون وسطی اروپا بوده است. مهندس بازرگان در بازیابی ارزشها خود لیبرالیسم را نقد می‌کند. اندیشه آزادی‌خواهی مهندس بازرگان، که به غلط و مغرضانه در سالهای دهه ۶۰ بی‌بند و باری توصیف می‌شد، متکی به آیات قرآن و توصیفی است که خداوند در گزینش انسان معرفی کرده است و او را در بین همه مخلوقات از امانت "اختیار" برخوردار ساخته است. انسانی که آزادی نداشته باشد، مختار نیست و بنابراین نمی‌تواند مسئول و پاسخگو باشد. اتفاقاً رشد و کمال انسان نیز مرهون این اختیار و آزادی اوست.

این آزادی در معارف قرآنی تا آنجا توسعه یافته است که حتی انسان در پذیرش دین نیز آزاد است "لا اکراه فی الدین" بر این اساس مهندس بازرگان انسانی آزاده و طرفدار آزادی بود و با تحلیل تاریخی مشکل کلیدی جامعه ما را فرهنگ استبدادی می‌دانست (مدافعات - چرا با استبداد مخالفیم).

حزب توده و جریان‌های چپ برای حذف روشنفکران دینی و زمینه‌سازی برای دستیابی به قدرت اولین بار شعار "مرگ بر لیبرال" را مطرح کردند و بتدریج به عرصه رسانه‌ها و حتی نمازهای جمعه نیز کشانده شد. این جریان پر قدرت تشکیلاتی همانگونه که خود بعدها گفتند بدنبال القاء فکر تداوم انقلاب بودند تا بتدریج اندیشه سیاسی - اجتماعی خود را با دستیابی به قدرت در جامعه پس از انقلاب مستقر کنند - اما غافل از اینکه روحانیت با نفوذ مردمی خود بر موج پدید آمده مسلط شد و با تکرار شدید تر همان شعارها بتدریج این گروهها را از عرصه اجتماع حذف کرد و دست کم در یک دهه گذشته دیگر چنین شعارهایی تکرار نشد و در گفتمان اصلاحات آزادی، دموکراسی و حقوق بشر به عنوان مطالبات اصلی همه گروه‌ها امروز مطرح می‌باشد.

به نظر شما دلیل ایجاد تنش بین انجمن‌های اسلامی و دولت مهندس بازرگان که اوج آن در جریان تسخیر سفارت آمریکا بروز کرد، در حالی که خود ایشان از بانیان این انجمن‌ها بوده‌اند، چه بوده است؟

همانگونه که توضیح داده شد بعد از پیروزی انقلاب رسانه‌ها عمدتاً در اختیار حزب توده و سایر گروههای چپ بود و آنان مطالبات رادیکال را برای تحقق اندیشه تداوم انقلاب خویش در جامعه مطرح می‌کردند و طبیعی بود که دانشجویان بیشتر تحت تأثیر آن جو کاذب بعد از انقلاب قرار گیرند. مهندس بازرگان و سایر کسانی که در دولت موقت قبول مسئولیت کرده بودند تمام وقت خود را به اجرای برنامه‌های مسئولیت سنگین دوران انتقال اختصاص داده بودند و مثل سایر گروههای سیاسی که کادرهای ورزیده و تمام وقت در خدمت فضا سازی سیاسی را داشتند نمی‌توانستند با موج ایجاد شده مقابله کنند. البته مهندس بازرگان و همکاران ایشان نسبت به این نیاز بی تفاوت نبودند. مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات ۹ ماهه دوران دولت موقت که در کتاب "مشکلات و مسایل اولین سال انقلاب از زبان مهندس بازرگان" به چاپ رسیده است این تلاش‌ها را نشان می‌دهد، اما طبیعی است که پاسخگوی نسل جوان آن دوران نباشد. در مورد تسخیر سفارت آمریکا و عملکرد دانشجویان پیرو خط امام که می‌خواستند چند روز در سفارت بمانند اما گروگان‌گیری ۴۴۴ روز به طول انجامید داستان دیگری است که بایستی جداگانه مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

گفته می‌شود مهندس بازرگان پس از انقلاب به همکاری جوانان در مسائل کشوری اعتقادی نداشتند و همین مسئله موجب بروز اختلافاتی بین ایشان و بعضی نهادهای انقلابی شد. در صورت صحت این موضوع بفرمایید به چه دلیل ایشان موافق همکاری جوانان نبودند؟

مهندس بازرگان نگاه علمی به مدیریت کشور داشت و حضور مسقتم دانشجویان را در عرصه مسئولیت‌های کلان مدیریتی کشور به مصلحت نمی‌دانست. اما برای جذب دانشجویان و جوانان در عرصه خدمات داوطلبانه و ایجاد بستر لازم برای رشد آنان و کمک به هموطنان، نهادهای اجتماعی تأسیس کرد. از جمله ایده جهاد سازندگی که توسط آقای دکتر حسین بنی‌اسدی و جمعی از همکاران

ایشان در دولت موقت شکل گرفت و یا شوراهای مردمی که در محلات شهر تهران تشکیل شد و منشأ خدمات زیادی بودند در پاسخ به این نیاز آن دوران مدیریت شده بود. اما تفویض مسئولیت‌های کلان کشور به جوانانی که از تجربه و صلاحیت لازم برای تصدی آن مسئولیت‌ها برخوردار نیستند به لحاظ علمی و تجربی برای سلامت مدیریت کشور قابل قبول نبود و امروز هم نیست و نمی‌تواند منافع و مصالح ملی را تأمین کند.

موضع گروه‌های سیاسی پس از انقلاب به خصوص مجاهدین خلق، حزب توده، حزب جمهوری و فدائیان نسبت به دولت موقت و شخص مهندس بازرگان چگونه بوده است؟

گروه‌های سیاسی در شرایط خاص بعد از انقلاب عموماً مخالف دولت موقت بودند - حزب توده و سازمان مجاهدین خلق و فدائیان داعیه قدرت داشتند و می‌خواستند با شیوه‌های مختلف قدرت را به دست بگیرند. مخالفت‌ها تا آنجا گسترش داشت که حتی دوستان نهضت آزادی که در دولت مسئولیت نداشتند هماهنگ با موج ایجاد شده در جایگاه نقد دولت موقت و بعضاً هماهنگ با مطالبات گروه‌های چپ اعلام موضع می‌کردند که با حفظ امانت در اسناد نهضت به چاپ رسیده است. البته حزب جمهوری اسلامی که بعد از انقلاب تأسیس شده بود و رهبری آن با روحانیون بود خود در قدرت حضور داشتند و برای دستیابی به قدرت کامل با شعارهای سایر گروه‌های مخالف نیز گاهی هم‌نوایی نشان می‌دادند و همان ایرادات و نقدهای آنان را تکرار می‌کردند و حتی شعار مرگ بر لیبرال را در رسانه‌های رسمی و فضای مقدس نمازهای جمعه و منابر تکرار می‌کردند.

مهندس بازرگان در سالهای پایانی عمر پربرکت خویش، به عنوان یک نیروی اپوزیسیون شناخته می‌شدند. فعالیت‌های ایشان در آن زمان چه بود و در نهایت ایشان تا چه حد توانستند به آرمانهایی که مد نظر داشتند دست پیدا کنند؟

مهندس بازرگان و همفکران ایشان بعد از دولت موقت براساس احساس مسئولیتی که در مدیریت انقلاب داشتند همواره با اتخاذ خط مشی اصلاحی و مبارزه قانونی و علنی و مسالمت‌آمیز در جایگاه اپوزیسیون قرار گرفتند و با نقد مشفقانه عملکرد مسئولان به وظیفه امر به معروف و نهی از منکر که در اصول قانون اساسی نیز پیش‌بینی شده است عمل کردند. محور اصلی اهداف و برنامه آنان پاسداری از اصول و آرمان‌های اولیه انقلاب که همان مطالبات تاریخی ملت ایران در مبارزات یکصد ساله اخیر است خلاصه می‌شود - مقابله با باز تولید استبداد و پیگیری اجرای اصول قانون اساسی در زمینه حقوق اساسی ملت یعنی تأمین آزادی و حاکمیت ملت از جمله تلاش‌های شادروان مهندس بازرگان و همفکران وی بوده است و گفتمانی که مهندس بازرگان و همفکران او در دهه ۶۰ بعد از بسته شدن فضای سیاسی کشور مطرح کردند و با پرداخت هزینه‌های زیاد پیگیری کردند به تدریج به ثمر نشست و در دهه‌های هفتاد و هشتاد در جنبش اصلاحات گسترش پیدا کرد و دست‌کم در سطح فرهیختگان و روشنفکران جامعه بصورت گفتمان غالب برای تداوم تلاش‌های سیاسی - اجتماعی در آمده است.